

توسعه نیافتگی در آمریکای

لاتین

آندره فرانک
پروشکاه علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی
ترجمه: بابک قهرمان

۳ - توسعه امپریالیزم و توسعه نیافتگی آمریکای لاتین
دوره قبل راه را برای ظهور امپریالیزم و اشکالی جدید سرمایه‌گذاری خارجی، چه در کلان شهرها و چه در آمریکای لاتین، که در آن تجارت آزاد و اصلاحات ارضی همراه با دیگر تغییرات زمین‌ها را در چنگ عده‌ای محدود افکنده و دولت‌های دلخواه کلان شهرها را بوجود آورده بود، باز کرد. این دولت‌ها نه تنها درها را بروی تجارت بیشتر کلان شهرها باز کردند، بلکه به آنها اجازه دادند که به سرمایه‌گذارهای امپریالیستی نیز اقدام ورزند ناگفته نباید گذاشت که واگذار کردن زمین‌های معدود موجب افزایش نیروهای کارگر بیکار گردید.

توسعه از کدام سرمایه‌گذاری ایجاد شد؟ ... این کار را ماخود بسا منابع ملی و نه با سرمایه خارجی انجام دادیم ... مابین سالهای ۱۸۵۲ و ۱۸۹۰ آرژانتین اغلب عوامل مدرن پیشرفت از قبیل خطوط آهن (خطوط شمال به شرق آتره ریوس (۲)، خطوط آهن مرکز به شمال از کوردوبا به توکمان و خط آهن آند و غیره)، شبکه روشنایی گازی، خطوط تراموایی را که باسب کشیده میشوند، دربندری بوئس آیرس خوددارا بود. عملیات انتقال تجارتخانه‌های داخلی به شرکتهای خارجی از سال ۱۸۷۷ شروع شد. فروش «شرکت مصرف کنندگان گاز بوئس آیرس» به «شرکت گاز بوئس آیرس با مسئولیت محدود» همراه با قراردادی که شرکت سابق با شهرداری پایتخت داشت، منهای یک درصد هزینه، مثال و مدل جالبی برای خرید و فروش‌های بعدی بود. پرداخت شرکت انگلیسی به شرکت آرژانتینی بدین قرار بود که شرکت مزبور اوراق سهام را معادل با سرمایه آرژانتینی آن با اضافه اوراقی معادل

تقاضاهای جدیدی که از کلان شهرها برای مواد خام می‌آمد و سودآوری (۱) تولید و تجارت، سرمایه‌های خصوصی و دولتی را در گسترش تاسیسات زیربنایی لازم برای تولیدات صادراتی بکار انداخت. در برزیل، آرژانتین، باراکوئه، شیلی، گواتمالا، مکزیک و در دیگر کشورها سرمایه‌های بومی و یا ملی اولین خطوط آهن را برپا کردند. در شیلی این سرمایه‌ها بتاسیس معادن نیترات و مس همت گذاشتند که بعدها تولیدکننده اصلی کودهای تجارتي و مس دنیا شدند. در برزیل سرمایه‌های بومی و ملی کشتزارهای قهوه‌ای را بوجود آوردند که تقریباً قهوه تمام دنیا را فراهم

بسیار میلیون لیره برای هزینه های تجاری (چونکه حتی این مبلغ را هم نداشت) چاپ کرد. و این اوراق وقتی بچاپ رسیدند که شرکت انگلیسی باین سادگی صاحب کارخانه شده بود... تنها سرمایه‌ایکه در شرکت «گاز بوئس آیرس با مسئولیت محدود» جریان افتاد هزینه کاغذ و چاپ اوراق سهام بود... بین ربع آخر قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم آرژانتین بگونه‌ای هسان خط آهن غرب یعنی آنتروپوس و خط آهن آند را به شرکت های انگلیسی انتقال داد. جالب اینکه این شرکت‌ها در بیشتر اوقات پولی بغیر از هزینه های واگذاری محرف نکردند (۳ و ۴).

در شیلی جان. ت. نورث افسانه‌ای که زمانی کارگر بی‌پولی از انگلستان بود، از طریق خرید اسناد قرضه معادن نیترات و خطوط راه آهن با نرخی که بر اثر جنگهای اقیانوس کبیر به ده درصد ارزش اسمی (۵) آنها تقلیل پیدا کرده بود «سلطان نیترات» جهان شد. جان نورث پول این معامله را از طریق ۶ میلیون دلاری که از بانک وال پارایزوی (۶) شیلی بقرض گرفته بود پرداخت. سرمایه‌گذاری عظیم! این شخص بعدا انجام شد. بدین معنی که این شخص در سرنگون کردن بالماسدای (۷) رئیس جمهور که با همکاری نیروی دریائی انگلستان انجام شد در حدود یکصد هزار دلار خرج جنگ داخلی کرد. بالماسدا در جریان انتخاب شدن خود قول داده بود که معادن نیترات را ملی کند و منافع حاصله را صرف توسعه صنعتی و کشاورزی شیلی گرداند. محاسباتی که برای بدست آوردن «سودآوری امپریالیزم بتوسط اشخاصی نظیر ج. فردرپی (۸) در کتاب «سرمایه‌گذاری» های انگلستان در آمریکای لاتین ۱۸۲۲ - ۱۹۴۹» انجام شده است، ارزش تقریبی (۹) را سرمایه و درآمدهای ثبت شده را «سود» میداند. در این میان هزینه‌ها و مخارج سیاسی جزو هزینه‌های تولید می‌آیند. استراچی (۱۰) و دیگران نشان داده‌اند که در واقع امپریالیزم هیچگونه پولی نمی‌برازد.

معدنا، وام‌های کلان شهرها به آمریکای لاتین جاری بود. و پولی شرایطی که بر آمریکای لاتین تحمیل میشدند چنان بودند که وقتی بازپرداخت اسناد قرضه که در لندن، پاریس، برلین و نیویورک فروخته شده بود شروع میشد، سرمایه با سرعت، معادل چندین برابر بازگشت داده میشد. لیکن پول این اسناد در سر موعده به صاحبان اصلی سهام پرداخت نمی‌شدند و یا بطور ناقص پرداخت میشدند. در اینجا سئوال مطرح میشود و آن اینکه پس چرا این سرمایه‌گذاری‌ها بعمل می‌آمدند و چه کسی پول‌ها را می‌پرداخت؟ فرد. جی، رسی قسمتی از این سئوال را جواب میدهد:

پس از آنکه تمام حق‌الععمل‌ها، حق‌الزحمه‌ها، تنزیل‌ها و هزینه‌های چاپ کم میشد و سرمایه خدمات (۱۱) برای مدت هجده ماه نگهداشته میشد، آمریکائیان لاتین، در صورتیکه تقریباً ۶۰ درصد از ثغافه را هم قرار دادیم را در دست داشتند، خود را در پایان معامله میدیدند. برای رقم خالصی معادل ۱۲ میلیون لیره، خود را باندازه ۲۱ میلیون لیره متعهد کرده بودند... چهارگروه بودند که از این نوع سرمایه‌گذاری سود می‌بردند: (۱) بانکداران فروخته اسناد قرضه و سفته‌بازان، (۲) شرکتهای کشتیرانی، (۳) مقامات و مامورین کشورهای قرض گیرنده، (۴) سازندگان کالا، مدیران و تکنیسین‌های دیگر کشور های سرمایه‌گذار... این‌ها بیش از همه سود می‌بردند... بانکداران انگلیسی، دلال‌ها، صادرکنندگان و پوروکراتهای (دیوان سالاران) آمریکای لاتین بجای سرمایه‌گذاران انگلیسی سود می‌بردند.

دولت های آمریکای لاتین تاسیسات و سرمایه‌های منی را برای سود خویش در اختیار بیگانگان گذاشتند. اگر دولتی نمی‌خواست و یا از لحاظ سیاسی قادر بانجام عمل فوق نمی‌بود، با یک کودتای نظامی با همکاری کلان‌شهرها، به برقراری دولتی نظامی می‌پرداختند که در عرض سه یا چهار سال بنام سرمایه‌گذاری خارجی امتیاز انحصار طلبانه ۹۹ ساله‌ای را بایشان واگذار کند. مدت این قرار دادها بخصوص چنان طولانی انتخاب میشدند که در تحت دولتهای دموکراتیک نیز ارزش خود را داشته باشند، سنتی که هم‌اکنون در تحت رهبری ایالات متحده مرتب در آمریکای لاتین رواج دارد. همه‌جا نقش دولت بعنوان دستگاهی سیاسی برای بهره‌برداری از اقتصاد رعیتی بِنفع مقاصد امپریالیزم درآمد بود.

بطور خلاصه، سرمایه‌گذاری خارجی وسیله‌ای بود و هست که پانکاک آن بورژوازی کمک دهنده و کمک گیرنده از طریق پول جمع‌آوری شده و یا

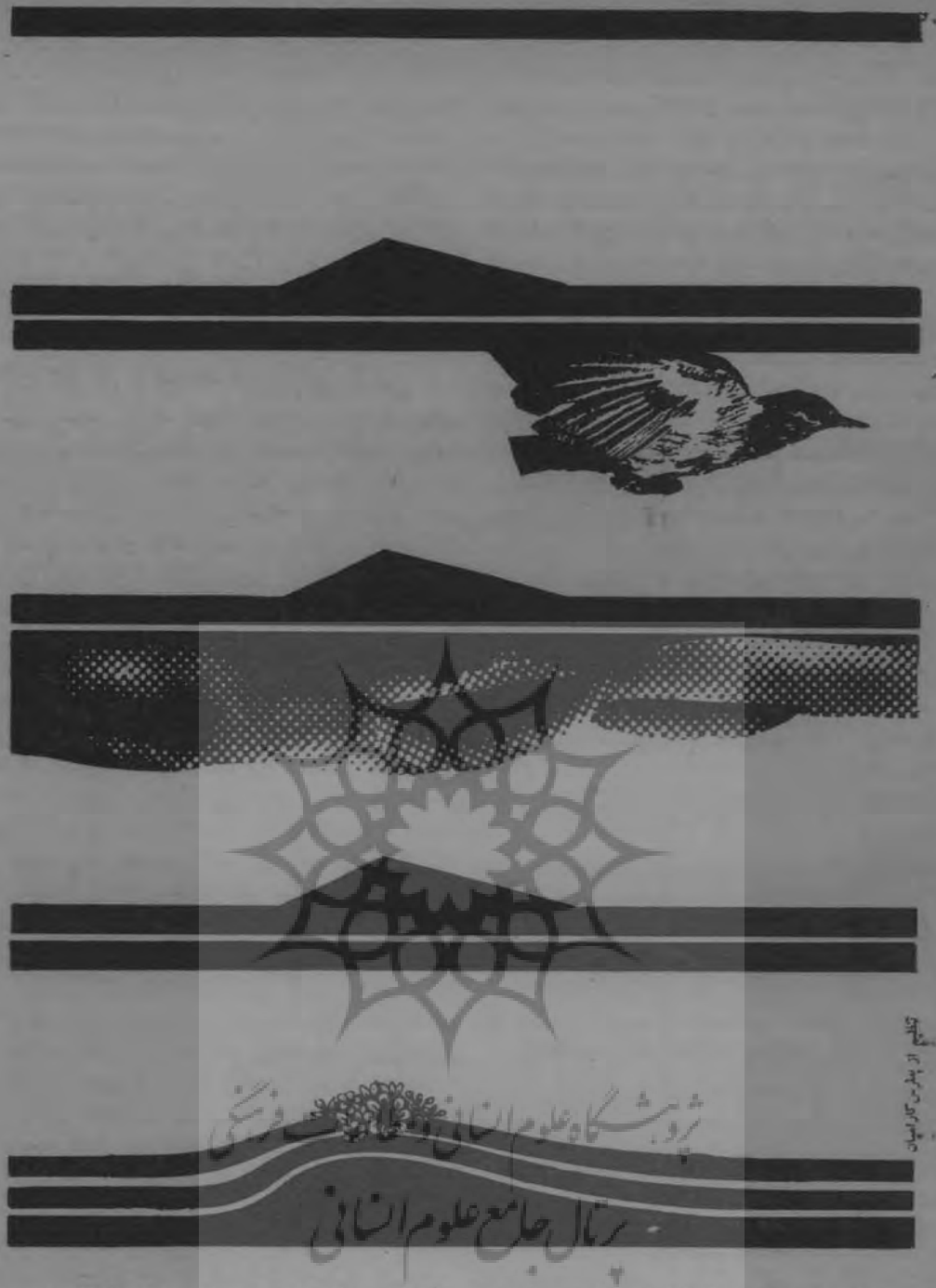
مالیات مردم کلان شهر و کار کارگران کشورهای اقمار گسترش یابد و صاحب همه چیز گردند. این وسیله‌ای شده است برای تبلیغات فراوان بورژوازی در حمایت اینگونه سرمایه‌گذارهای خارجی.

تابعیت سرمایه‌گذاری خارجی از زمان خود یکی از شگفتی‌های تاریخ سرمایه‌داری است. زبیبی میگوید که «جریان سرمایه بسیار نامنظم بود. قسمت اعظم سرمایه انگلستان در سالهای ۱۸۸۰ و دهه بعد از ۱۹۰۲ با آمریکای لاتین جاری شد». مقصود اینستکه در کساد و بحران دهه ۱۸۹۰، مخصوصاً پس از بحران جهانی ۱۸۹۳ از میزان انتقال سرمایه کاسته نشد. از اینرو، مانند دوره تجارت آزاد و بعد از آن در قرن بیستم، برخلاف نظریه تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی که معتقد به جریان سرمایه از کلان شهرها بنواحی دیگر، در دوران کمی سودآوری در کلان شهرهاست، جریان سرمایه از کلان شهرها به آمریکای لاتین در دوران رونق اقتصادی بالا رفت و در دوران کساد و بحران اقتصادی پائین آمد. سرمایه‌گذاری خارجی بعضی از کشورها بجای اینکه در جهت ایجاد تعادل عمل کند در جهت عدم تعادل عمل می‌نماید. نظریه قراردادی انتقال سرمایه بر اینستکه وضع بازار خودبخود موجب میشود در نقاطی که موازنه پرداختها مثبت است - یعنی کشورهای غنی، سرمایه بنقاطی که در آنها موازنه پرداختها منفی است - یعنی کشورهای فقیر جاری شود. حقیقت اینستکه درست برعکس، کمبودها و فقر آمریکای لاتین روز بروز زیاده‌تر میشود و بر فراوانی و ثروت کلان شهرهای اروپائی و آمریکای شمالی افزوده می‌گردد.

اهمیت و «سودآوری» سرمایه‌گذاری خارجی تنها در درآمدهای خاص این سرمایه‌گذاری‌ها نیست، بلکه تأثیری که سرمایه‌گذارهای فوق در توسعه و توسعه یافتگی نشاط جهان داشت اهمیت بیشتری دارد. سرمایه‌گذاری امپریالیستی مقدار معتناسبی سرمایه‌های خالص را از کشورهای فقیر و عقب مانده آمریکای لاتین خالی کرد و به کلان شهرها جاری ساخت، طبق محاسبه کری کراس (۱۲) در دوره بین ۱۸۷۰ - ۱۹۱۳ انگلستان مبلغ ۲۴۰۰ میلیون لیره صادر کرد در صورتیکه مبلغ ۱۹۰۰ میلیون لیره از سرمایه‌گذارهای خود درآمد بدست آورد. آمریکای لاتین مواد خام صنعتی و مواد غذایی ارزان برای کارگران کلان شهرها را در شرایط بسیار فزاینده فراهم کرد. این عمل موجب پائین نگه داشتن دستمزدها در کلان شهرها و فراهم ساختن بازار خارجی برای کالاهای سرمایه‌داری و کالاهای مصرفی شد. نتیجه کمی اینکه قیمت‌ها و سودها بطور انحصاری در سطح بالا باقی ماندند ولی از میزان دستمزدها کاسته شد.

در آمریکای لاتین تجارت و سرمایه‌گذاری امپریالیستی از طریق تجمع ۱۰۰۰ میلیون دلار سرمایه موجب بالا رفتن صعودی میزان تولید، تجارت، و مواد گسترده کلان شهرها می‌گردد. این سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی خود برای نفوذ به اقتصاد آمریکای لاتین و استفاده از نیروی بالقوه تولید آن و توسعه خود، چنان با کارائی عمل کردند که برای کلان شهر های صنعتی در این منطقه نداشت. همانطور که روزا لوگزامبورگ برای فرایندی مشابه ذکر موارد مصر گفته است: «بدون آنکه ظاهر باشد، روابط امپریالیستی موجب شده است که سرمایه اروپائی اقتصاد رعیتی مصر را بی‌عده، زمینهای بزرگ، نیروی کار و محصولات نیروی کار که بعنوان مالیات بدست دولت رسیده‌اند، عاقبت الامر بصورت سرمایه اروپائی در آورده و متجمع کرده‌اند (۱۳).

در واقع، در آمریکای لاتین امپریالیزم از این هم فراتر رفت. این نه تنها وضعی را فراهم کرد که به کشاورزی آمریکای لاتین حمله کند، بلکه تقریباً بر تمام نهادهای اقتصادی و سیاسی، برای جذب تمام اقتصاد قاره، در نظام خود، مسلط شد. تعداد و وسعت مزارع بزرگ، بخصوص در آرژانتین، اروگوئه، برزیل، کوبا، مکزیک و آمریکای مرکزی با چنان سرعتی زیاد شد که از لحاظ تاریخی سابقه نداشت. پانکاک دولتهای آمریکای لاتین، خارجیان تقریباً در ازای هیچ قطعات بزرگی از زمینهای زراعی را صاحب شدند، و درجائی که مالک زمین‌ها نشدند، بعثت تسلط کلان‌شهری و انحصاری کردن خرید و فروش محصولات کشاورزی و محصولات دیگر، محصول این زمین‌ها را مالک شدند، کلان شهر، معادن آمریکای لاتین را در اختیار گرفت و بر میزان بازده آنها افزود و بعضی اوقات مانند معادن نیترات شیلی در عرض چند سال ریشه منابع کشور را کند. کلان شهر، برای بیرون بردن



تکمیل از پدربزرگ کارامیسان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

و آمریکای مرکزی «جمهوریهای موز» و آرژانتین ، به «آرژانتین انگلیس» معروف بود و شینی ، به «شیلی دردمند» .
با گسترش امپریالیزم قرن نوزدهم ، سرمایه‌گذاری خارجی همگام با تجارت خارجی رویدادهای آمریکای لاتین را زیر نفوذ خود درآورد و اقتصاد ، جامعه و نحوه حکومت (۱۶) را بمیل خود برای عمیق کردن ریشه توسعه نیافتگی تغییر شکل داد .

ج . نتو امپریالیزم و پس از آن

با جنگ جهانی اول نظام سرمایه‌داری جهانی در مرحله دیگری از تطور خود قرار گرفت . در این تطور مرکز کلان شهری از اروپا به ایالات متحده منتقل شد و سرمایه‌داری صنعتی و مالی به سرمایه‌داری انحصارطلبانه (۱۷) تبدیل گشت . ابتدا در امریکا و بعد در اروپا و ژاپن ، شرکت های ساده صنعتی و یا تجارتخانه‌های قدیمی جای خود را به شرکتهای انحصارطلبانه غول‌آسایی که پایه ملی داشتند ولی در تمام دنیا پخش شده بودند دادند . این شرکتها ، که از لحاظ صنعت چندشاخه‌اند

اینگونه کالاهاى خام ویدرون آوردن وسائل و کالاهایش ، ساختن بنادر و خطوط راه آهن ، و برای رساندن خدمات باین دو ، بوجود آوردن تاسیسات عام‌المنفعه (۱۴) را موجب شد . شبکه خطوط آهن و خطوط برق ، اصولاً شبیه بیک شبکه نبود ، بلکه شکل شعاعی داشت و شهرهای دورافتاده کشورها را به بنادر مهم واز آنجا به کلان شهر وصل می‌کرد . امروزه ، پس از هشتاد سال ، بعلم حقوق مخصوص استفاده از خطوط حمل و نقل و بعنت پیدا شدن گروههای ذینفعی که با همکاری کلان شهر همان انگاره های قرن نوزدهم را حفظ کرده‌اند ، شکل بسیاری از این خطوط بهمان صورت باقیمانده است .

بنیان توسعه نیافتگی که در دوران مستعمره‌داری نشانده شده و در دوره تجارت آزان ریشه گرفته بود بتوسط تجارت و سرمایه‌گذاری امپریالیستی قرن نوزدهم دوام گرفت . اقتصاد آمریکای لاتین ، به اقتصادی تک محصولی و ابتدائی مبدل شد که در کشتزارهای بزرگ آن زحمتکشان روستائی بتوسط بورژواهای اقمار ، تحت رهبری دولت کشور هائی که القاب عجیبی پیدا کرده بودند ، استثمار میشدند . مثلاً مکزیك ، «وحشی» خوانده میشد (۱۵)

و در مقیاس وسیع و بطور استاندارد بتولید کالا و تکنولوژی جدید میپردازند، مأمور فروش، کارشناسان امور مالی، و دولتهای اقماری عقبمانده و حتی کلان شهرهای اروپایی را در داخل خود دارند. همانطور که در سالهای ۱۹۳۰ گسترش منطقی کاپیتالیزم (سرمایه داری) دولتهای شرکتی (۱۸) را بوجود آورده و در سالهای ۱۹۶۰ موجب بوجود آمدن دولت‌های جنگی (۱۹) شد. هنگام با احتیاجات شرکتها و دولتهای انحصارطلبانه کلان شهری، ثنوامپریالیزم قرن بیستم راهها و وسائل جدیدی برای سرمایه گذاری بوجود آورده‌اند. در اینجا سرمایه گذاری نسبت به تجارت خارجی، اثر بیشتری دارد. بطوریکه این، اکنون اصل اساسی روابط بین‌المللی است. این عامل موجب ترقی بیشتر کلان شهرها و عقبماندگی زیاده‌تر آمریکای لاتین شده است.

۱- بحران کلان شهری و توسعه آمریکای لاتین

جنگ اول جهانی موجب شد که اقتصاد اقماری (۲۰) کشورهای آمریکای لاتین صمی، از تجارت و سرمایه گذاری خارجی و دیگر روابط با کلان شهر آسوده شدند. از اینرو همانطور که قبلاً نیز اتفاق افتاده بود و در آینده نیز اتفاق افتاد، آمریکائیان لاتین موقتاً بتوسعه صنعتی خود برای برطرف کردن احتیاجات بازار کالاهای مصرفی داخلی، پرداختند. بجز اینگونه جنگ پایان رسید صنایع کلان شهری، که اکنون در ایالات متحده پایه داشتند درست بهمان تقاطی آمدند که مانند بوئنوس آیرس و ساو پائولو، آمریکائیان لاتین در آنها بتوسعه صنعت پرداخته بودند و کارشان پرمفعت نشان داده شده بود. در اینجا نیز، شرکت‌های بزرگ آمریکائی و انگلیسی با حمایت‌های مالی، تکنولوژیکی و سیاسی جای صنایع آمریکائی لاتین را گرفتند. برای نفوذ بیشتر به اقتصاد آمریکای لاتین، دولتهای آمریکائی لاتین که دچار کسر بودجه شده بودند وام پرداخت شد. و شرکتی بزرگ (۲۱) سال ۱۹۲۹ از میزان سرمایه گذاری خارجی و تجارت خارجی و قیمت‌ها کاست، و از اینرو سرعت انتقال منابع را به کلان شهرها آهسته کرد. بحران بزرگ ۱۹۳۰ روابط اقتصادی با آمریکای لاتین را تشدید کرد و از میزان دخالت‌های سیاسی کم کرد. جنگ دوم جهانی (سال ۱۹۳۷) و دوران نوسازی بعد از آن، وضع آمریکای لاتین را تا سالهای ۱۹۵۰ به همین منوال باقی نگاهداشت. این دوره با بوجود آوردن شرایط اقتصادی و تغییرات سیاسی موثر موجب آغاز سیاست‌های ملی قوی و صنعتی شدن مستقلی شد که از سالهای ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ یعنی دوره استقلال کشورهای آمریکای لاتین سابقه نداشته و شاید در آینده هم نداشته باشد. در برزیل، انقلاب ۱۹۳۰ موجب شد که صنایع از قدرت حمایت دولت استفاده کنند. این انقلاب جنولیو وارگاس (۲۲) را به رئیس جمهوری رساند و صنعتی شدن ساو پائولو را موجب گشت. در مکزیک جنگ اول جهانی باعث ادامه شرایط انقلاب ۱۹۱۰ شد. بحران بزرگ اقتصادی آمریکا وسیله‌ای برای استحکام انقلاب، در تحت رهبری ملی ژنرال کاردناس (۲۳) شد. کاردناس از شرکت‌های نفت خارجی سلب مالکیت کرد، اصلاحات ارضی را بانجام رساند و راه را برای صنعتی شدن سالهای ۱۹۴۰ باور کرد.

در سرتاسر آمریکای لاتین، دوره بحران بزرگ ایالات متحده، فرصت‌های مناسبی برای نهضت‌های ملی و مترقی‌هایا دلتوره (۲۴) در پرو، آگیره چردا (۲۵) در شیلی، رومولو گاله‌گوس (۲۶) و رومولو بتانکورت (۲۷) در ونزوئلا و پرو در آرژانتین شد. حالا دیگر، صنعت، مانند آنچه که کلان شهرها می‌کردند، فقط بتولید کالاهای مصرفی برای درآمدهای بالا نمی‌پرداخت، بلکه از طریق سرمایه گذاری بخش‌های بومی دولتی و خصوصی، ساختن کالاهای سرمایه‌ای را مانند فولاد، مواد شیمیائی، نیروی برق و ماشین‌آلات، که بمصرف تولیدات صنایع سنگین میرسید، نیز برعهده داشت.

۲- گسترش کلان شهرها و توسعه نیافتگی

آمریکای لاتین

با پایان پذیرفتن جنگ کره، ماه عمل آمریکای لاتین نیز بیابان رسید. گسترش کلان شهرهای ثنوامپریالیست - اکنون عمدتاً از طریق

تجارت خارجی و سرمایه گذاری شرکت‌های انحصاری بین‌المللی - دیگر بار شروع شد و دوباره آمریکای لاتین را در معرض رویدادها و جریان‌های سرمایه‌داری جهان قرارداد و جریان توسعه نیافتگی آمریکای لاتین را از نو آغاز کرد. صدور کالاهای صادر شده به آمریکای لاتین و وارد کردن مواد خام با شرایط نازل، بحران‌ها و کسر بودجه‌ها، و وام‌های جبران‌کننده کلان شهرها و وام‌های اضطراری اهمیت قدیمی خود را پیدا کرد. ولسی این بار شرکت‌های بزرگ و انحصاری در تمام صنایع تولیدی و خدماتی آمریکای لاتین نفوذ کردند و آنها را در امپراطوری بزرگ خود جذب نمودند. در این اثنا، اکثریت مردم آمریکای لاتین روز بروز فقیرتر و فقیرتر شدند.

نکات و خصوصیات اصلی سرمایه‌گذاریهای شرکت‌های انحصاری، با پیش‌رواقت اندیشی در اواخر سالهای ۱۹۲۰ بتوسط جی. اف. نورمانو (۲۸) در کتاب « تلاش در آمریکای جنوبی » مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در سال ۱۹۵۰، سیصد شرکت کاملاً بزرگ بیش از ۹۰ درصد سرمایه‌گذاریهای آمریکای لاتین را بعمل آورده بودند « و از آن زمان تاکنون میزان تجمع فوق بیشتر شده است » (۲۹).

در سالهای ۱۹۵۰ شرکت‌های انحصاری بین‌المللی بنفوذ در دیوارهای تعرفه‌های حفاظتی که ضامن قیمت‌های بالاتر و سود بیشتر بود قناعت



- 21) Crash.
- 22) Getulio Vayas.
- 23) Cardenas.
- 24) Haya de la torre.
- 25) Aguirre Cerda.
- 26) Romula Gallegos.
- 27) Romula Betancourt.
- 28) Normano, J.F. (1931) the Struggle for South America, Boston. Houghton Mifflin.
- 29) United Nations (1963) the Social Development of Latin America in the Postwar Years, New York - Santiago.
- 30) Mixed Enterprise.
- 31) Chileanization

نکردند و از اینهم فراتر رفتند. ابتدا، به برپا ساختن کارخانه‌های مونتاژی پرداختند که ققط قطعات کوچک آنها تحت نظر شرکت‌های بزرگ انحصاری بتوسط صنایع بومی ساخته میشود. میزان تولید کارخانه‌های تولیدکننده قطعات کوچک بتوسط شرکت بزرگ تعیین می‌گردد و چون کار با قیمت ارزان انجام میشود و از سرمایه مقاطعه‌کاران محلی نیز استفاده میشود، سود اینگونه شرکت‌ها بسیار زیاد است. از طرفی هزینه‌ها و ضررهای اتفاقی که بعنت خارج از حد کار کردن کارخانجات کوچک محلی پدید می‌آید بردوش صاحبان محلی آنها می‌افتد. حقیقت اینستکه باتمام این تفصیلات سهم بزرگ منافع بجهت شرکت‌های انحصاری می‌رود که یا صرف سرمایه‌گذاری مجدد در آمریکای لاتین می‌گردد و یا به کلان شهر و یا شعبات دیگر شرکت انتقال می‌آید.

در سالهای اخیر، شرکت‌های انحصاری کلان شهرها، از طریق شریک کردن گروههای صنعتی و مالی آمریکای لاتین و شریک شدن در موسسات عمومی بعنوان کارهای مشترک (۳۰)، در یکی کردن کلان شهرها و اتمام یکقدم جلوتر رفته‌اند. در آمریکای لاتین، عده‌ای - از قبیل شرکای بورژوازی اهل آمریکای لاتین و یا نمایندگان این شرکا - این فرایند را حافظ منافع ملی و رهنمون پیشرفتهای اقتصادی میدانند. این مردم از شرکت مکزیکی و یا برزیل در سرمایه‌گذاری و یا کنترل این کارها (انترپرایزها) و یا «شیلی‌ای کردن» (۳۱) (بجای ملی کردن) معادن مس آمریکائی از طریق شریک شدن دولت بمقدار ۳۵، ۴۹ یا ۵۱ درصد، پشتیبانی می‌کنند. در ایالات متحده این فرایند را از طریق «نامه‌های ب مردم آمریکا» که از طرف کمیته هماهنگ‌کننده حزب جمهوریخواه بریاست سفیر سابق آمریکا در مکزیکی نوشته است جنبه تقدس داده‌اند. این نامه این طرز «شرکت» را «بهترین راه برای استفاده از فرصت‌های ماوی حقیقی» دانسته، و دولت‌های دیکتاتوری نظامی را در دوران ناپختگی سیاسی و اقتصادی برای جلوگیری از نفوذ عوامل شرق لازم میدانند.

- 1) Profitability.
- 2) Entre Rios.
- 3) Irazusta, Julio (1963) Influencia economica britanica en el Rio de la Plata, Bueons Aires, Eudeba.
- 4) Frank, Andre Gunder (1964) 'Brazil: The Goulart Ouster', the Nation (New York) Vol. 198, No. 18, 27 April.
- 5) Face value.
- 6) Val paraiso
- 7) Balmaceda.
- 8) Rippy. J. Fred (1959) British Investments in Latin America. 1822-1949. Minneapolis, University of Minnesota Press.
- 9) Book value.
- 10) Strachey.
- 11) Service fund.
- 12) Cairncross, A. K. (1953) Home and Foreign Investments, 1870-1913. Cambridge University Press.
- 13) Luxemburg, Rosa (1964) the Accumulation of Capital, New York, Monthly Review Press.
- 14) Public utilities.
- 15) Turner, John Kenneth (1964) Barbarous Mexico, 1908.
- 16) Polity.
- 17) Monopoly Capitalism.
- 18) Corporate State.
- 19) Warfare State.
- 20) Satellite Economy.

